

فصل سوم

زیبایی آفرینش

چشم دل باز کن که جان بینی
آن چه نادیدنی است، آن بینی
حافظ اصفهانی



معرفت کردگار

تاکنون بسیار پیش آمده است که در زیبایی‌های آفرینش تأمل کنید و از آن‌ها لذت ببرید. طبیعت در شکوفه باران بهار، در رنگ‌های تند و شاد و درختان پر میوه‌ی تابستان، در برگ‌ریزان پاییز و سپیدی و پایی معصومانه‌ی زمستان شکوه و زیبایی خود را به نمایش می‌گذارد. بعضی‌ها بهار را زیباترین فصل سال و عروس فصل‌ها می‌نامند. شاید به این سبب که بهار فصل تجدید حیات طبیعت و رویش و جوانه‌زدن است. در این فصل، زمین سر از خواب زمستانی برمی‌دارد و بستر گل‌های رنگارنگ می‌شود و زیبایی شگفت‌انگیزی را به چشم مشتاقان طبیعت عرضه می‌کند. انکار نقاش چیره‌دست طبیعت به ترکیب رنگ‌ها، نور نیز پاشیده است. بهار که می‌آید، هر شاخه‌کوبی دست خواهشی است که در طلب باران از زمین به آسمان برآمده است؛ آسمان هم البته سخاوتمند می‌شود.

کلم‌کلم که به اواخر بهار می‌رسیم. شاخه‌های درختان، زیر بار میوه‌های تابستانی قد خم می‌کنند. تابستان هم خالی از زیبایی نیست. به خصوص که فراغت از درس امکان بهره‌بردن از این زیبایی‌ها را



دو چندان می‌کند. رنگ زرین گندم زارها زیر پرتو طلایی خورشید و حرکت موج کون خوشه‌های گندم در اثر وزش نسیم، بسیار چشم نواز است. می‌توان گفت بهار، فصل جوانی و شادابی و تابستان، فصل پختگی و کمال طبیعت است.

تابستان نیز کم‌کم جای خود را به پاییز می‌دهد. درختان از پوشش سبز خود عریان می‌شوند و گویی با اهتزاز برگ‌های زرد و نارنجی و سرخ آتشین در باد، شعله می‌کشند و هزار رنگ با هم در می‌آمیزند. زیبایی این همه رنگ آمیزی بدیع در خزان کم‌تر از رنگ‌های سرزنده و شاداب بهار نیست. در پاییز برگ‌ها با وزش هر نسیم دست از دامن شاخه‌ها رها می‌کنند و رقصان در باد به زمین می‌ریزند و فرشی رنگارنگ زیر پای عابران می‌گسترانند.

عده‌ای پاییز را فصل غم و اندوه می‌دانند اما اگر نیک بنگریم، حتی در بهار و تابستان هم به

اندازه‌ی پاییز، طبیعت را غرق در رنگ‌های گرم نمی‌بینیم. به علاوه، زیبایی طبیعت، منحصر به سبزه و گل نیست. گاه شاید خاربُنی که در سینه‌ی کویر روئیده و بوته‌ی یک گل وحشی که در عمق دره‌ای از دل سنگ‌ها سر برآورده یا تک درختی که در بیابان برای رفع عطش به انتظار باران نشسته است، زیبایی و شلوغی کم‌تر از جنگل‌های سرسبز و انبوه نداشته باشد.

سرانجام، پاییز هم مانند دیگر فصل‌ها با طبیعت وداع می‌کند و جای خود را به زمستان می‌دهد. زمستان از راه می‌رسد و کوله‌بارش را که پر از برف و سرماست، بر زمین می‌گذارد. گرچه ممکن است مردم بعضی از مناطق جنوبی کشور مادر طول زمستان رنگ برف را نیند و لی معمولاً همه



این فصل را با برف و سرمای شناسند.

منظره‌ی کوهستان پوشیده از برف، شاخه‌های جوان بی‌برگی که زیر بار سنگین برف کمر خم کرده‌اند و پرندگان تنهایی که با حرکت بال‌های خود برف را از تن شاخه‌ها می‌تکانند، تماشایی است. زیبایی یک شب برفی هم که کوبی آسمان بر سر بام و دشت پولک‌های نقره‌ای می‌ریزد و دستی نامرئی با نخ سفید آسمان تیره را به زمین می‌دوزد، شکوهی دارد که کم از شکوه و زیبایی بهاران نیست.

زمستان هم بیش از آن چه باید، نمی‌پاید. در نیمه‌های اسفند زمین نفس گرمی می‌کشد. کم‌کم لاله و بنفشه از راه می‌رسند. پیداست بهاری دیگر در راه است. باری، در طبیعت همه چیز دست در دست هم به سوی مقصدی یگانه می‌شتابند و دستی توانا و مهربان این دست‌ها را با هم، صمیمی و همراه می‌کند.



- ۱- با استفاده از درس برای هر فصل طبیعت، دو ویژگی بیان کنید.
- ۲- فصل‌های سال را با مراحل عمر انسان مقایسه کنید.
- ۳- بیت زیر، با کدام قسمت درس ارتباط معنایی دارد؟ توضیح دهید:

برک درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتر می‌است معرفت‌گردکار

.....۴-



نکته‌ی اول

همان گونه که پیش‌تر آموختیم، یکی از راه‌های ساختن واژه‌های جدید افزودن «وند» به پایه‌ی واژه است. اگر وند به پایان واژه‌ی ساده افزوده شود، به آن «پسوند» می‌گویند. قبلاً با برخی از پسوندها آشنا شده‌اید. اکنون به جدول زیر توجه کنید.

پایه‌ی واژه	پسوند	واژه‌ی جدید
آتش	ین	آتشین
بهار	ه	بهاره
ایران	ی	ایرانی

با افزودن این پسوندها، واژه‌های جدید با معنی جدید ساخته شده است؛ مثلاً آتشین، یعنی چیزی که از نظر صفت و ویژگی نسبتی با آتش دارد و ایرانی، یعنی کسی یا چیزی که با ایران نسبتی دارد. به واژه‌های جدیدی که با این پسوندها ساخته می‌شوند، **صفت نسبی** می‌گویند.

نکته‌ی دوم

این دو نمونه را مقایسه کنید :

۱- در پاییز برگ‌ها با وزش باد از شاخه‌ها می‌افتند و بر زمین می‌ریزند و زیر پای عابران قرار می‌گیرند.

۲- در پاییز برگ‌ها با وزش هر نسیم، دست از دامن شاخه‌ها می‌کنند و رقصان در باد به زمین می‌ریزند و فرش‌ی رنگارنگ زیر پای عابران می‌گسترانند.

کدام عبارت زیباتر است؟ چرا؟

نمونه‌ی دوم زیباتر است؛ چون دل‌پذیر، تأثیرگذار و خوش‌آهنگ‌تر است.

در عبارت دوم، برگ‌ها، شبیه انسان‌هایی تصوّر شده‌اند که دست از دامن شاخه جدا

می‌کنند. همان‌طور که در سال اول راهنمایی خوانده‌اید، به این گونه زیبایی در نوشته، **جان‌بخشی** یا **تشخیص** می‌گویند. برگ‌های رنگارنگی که بر زمین می‌ریزند، نیز به فرش‌های رنگارنگ تشبیه شده‌اند.

به نمونه‌ی اول که نوشته‌ای عادی است و نویسنده پیام را به صورت ساده بیان کرده است، **نوشته‌ی زبانی** می‌گویند اما نمونه‌ی دوم که توصیف، تشبیه و تشخیص در آن به کار رفته، زیباتر و تأثیرگذارتر است و **نوشته‌ای ادبی** است.

کار گروهی



- ۱- درباره‌ی جلوه‌های زیبایی و آفرینش محل سکونت خود گفت‌وگو کنید.
- ۲- این بند را از نظر زیبایی‌های ادبی در گروه بررسی کنید:
بهار که می‌آید هر شاخه، گویی دست خواهشی است که در طلب باران از زمین به آسمان برآمده است.
- ۳- درباره‌ی تصویرهای زیر گفت‌وگو کنید.



۱- با هر یک از پسوندهای «ین، ه، ی» دو واژه‌ی جدید بسازید.

۲- جدول زیر را کامل کنید.

شناسه	بن	شمار	شخص	زمان	فعل
					شنیدم
					می‌شنویم
					خواهند شنید

۳- در کدام قسمت درس «توصیف» های زیباتری دیده می‌شود؟ آن‌ها را بنویسید.

۴- یکی از چهار فصلی را که در این درس توصیف شده است، نقاشی کنید.



۵- این تصویر را به دو گونه‌ی «زبانی»

و «ادبی» توصیف کنید.

۶- املا :

- کلمه‌ی «حیات» به معنی زندگی و کلمه‌ی «حیاط» به معنی محوطه‌ی بیرون خانه است.

املا‌ی درست این دو واژه را در جمله به کمک معنی دیگر کلمات می‌توان دریافت.

- زنگ املا فرصتی برای سنجش خوب گوش دادن و تبدیل نشانه‌های آوایی زبان به شکل

نوشتاری است.

نکارنده می زیبا

۱. بینی چه رقم‌های شکر است و دل آرا
دارای دو کیتی ملک العرشِ خدایی
هر نوع کند نقش و خود از نقش منزّه
هم کارگی هم چو زمین ساخته معمور
۵. چه زشت و چه زیبا همه نقش قلم اوست
بر صفحه می هستی ز خداوند تعالی؟
کا و را نه نیاز است و نه انباز و نه هم‌تا
هر جنس کند جفت و خود از جفت مبر‌ا
هم بارگی هم چو فلک داشته برپا
فی‌نی نکند زشت، نکارنده می زیبا
وصال شیرازی



صورتگر ماهر

۱ راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار

از کجا گردد پدیدار، این همه نقش و نگار؟

عقل حاسیران شود کز خاک تار یک نژد

چون برآید این همه گل‌های نغز کامکار؟

چون نپرسی کاین تا شیل از کج آمد پدید؟

چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

برق از شوق که می‌خزد بدین سان قاه قاه؟

ابر از هجر که می‌گرید بدین سان زار زار؟

۵ کیست آن صورتگر ماهر که بی‌تقلید غیر

این همه صورت برد بر صفحه می‌هستی به کار؟

قآنی شیرازی



۱- نام‌ها و صفاتی را که در شعر «نگارنده‌ی زیبا» برای خداوند برشمرده شده است، ذکر کنید.

۲- آیه‌ی «اللَّهُ الصَّمَدُ» با کدام مصراع پیوند معنایی دارد؟

۳- به نظر شما چرا شاعر زمین را کارگاه و آسمان را بارگاه نامیده است؟

۴-

دانش‌های زبانی و ادبی

نکته‌ی اوّل

زبان‌ها، همواره در حال داد و ستد با یکدیگرند و از این طریق به غنی‌سازی هم‌کمک می‌کنند. کلماتی را **قرض می‌دهند** و یا واژه‌هایی را **قرض می‌گیرند**. این رفتار زبانی به طور طبیعی و برحسب نیاز انجام می‌گیرد. زبان عربی به سبب این‌که زبان دینی ماست، پیوند نزدیکی با زبان فارسی پیدا کرده و از راه تعلیم و آموزه‌های دینی واژه‌ها و ترکیب‌های فراوانی از عربی وارد زبان فارسی شده است.

برای نمونه در درسی که خواندید، کلمه‌ها و ترکیب‌های «تعالی»، «ملک‌العرش»، «منزه»، «مبرا»، «معمور»، «تمائیل» و «تصاویر» و ... واژه‌هایی عربی‌اند که در این شعر به کار رفته است. یادآوری این نکته لازم است که این واژه‌ها دیگر جزئی از زبان فارسی به حساب می‌آیند.

نکته‌ی دوم

بار دیگر شعر درس را بخوانید و به محلّ قرارگرفتن قافیه‌ها توجه کنید. همان‌طور که می‌بینید، مصراع اوّل بیت اوّل با تمامی مصراع‌های دوم بیت‌های دیگر هم قافیه است. نکته‌ی دیگر این‌که محتوای شعر، توصیف صفات خداوند به کمک عناصر طبیعی است. به این نوع از شعر

«قصیده» گفته می‌شود؛ چون شاعر قصد می‌کند به توصیف طبیعت یا زیبایی‌ها و ستایش کسی یا چیزی بپردازد. معمولاً تعداد ابیات قصیده از پانزده بیت بیش‌تر است؛ مثلاً شعر «وصال شیرازی» بیش از چهل بیت است که در این درس فقط پنج بیت آن آمده است. نمودار قالب قصیده این‌گونه است:

×.....	×.....
×.....
×.....
×.....
×.....

کار گروهی



- ۱- درباره‌ی واژه‌های عربی شعرهای درس، در گروه گفت‌وگو کنید.
- ۲- یکی از قصیده‌های زیبا را به کلاس بیاورید و درباره‌ی قالب و محتوای آن با اعضای گروه گفت‌وگو کنید.
- ۳- مفهوم این حدیث «اللَّهُ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» و ارتباط آن را با شعر درس، بررسی کنید.

۱- با هر یک از کلمات زیر جمله‌ای بنویسید.

میرا	انباز
شگرف	منزه
معمور	صورتگر

۲- درباره‌ی ارتباط معنایی این دو بیت با بیت آخر شعر «وصال شیرازی»، یک بند بنویسید.

ابلی دید اشتری به چرا گفت نفقت همه کز است چرا؟
گفت اشتر که اندر این پیکار عیب نقاش می کنی، هشدار
سنایی غزنوی

۳- معادل‌های فارسی واژه‌های قرضی زیر را بنویسید.

اس ام اس (SMS)	سایت
کوپن	فاکس
ایمیل	

۴- زیبایی‌های ادبی بیت چهارم شعر «قآنی شیرازی» را توضیح دهید.

۵- معادل‌های دیگر اسامی و صفت‌های پروردگار در بیت زیر را بنویسید.

خداوند بخشنده‌ی دستگیر کریم خطا بخش پوزش پذیر

بوستان سعدی

رحمان	...
...	خداوند
ناصر	...
...	...
...	...

۶- انشا:

– در نوشتن انشا باید به اصل ساده‌نویسی و کوتاهی جملات توجه کنیم.
– میان جمله‌های یک نوشته، باید با کلمات و نشانه‌های نگارشی ارتباط برقرار کنیم.



شعر خوانی

امید وصل

یوسفِ آخر زمان آید به دوران، غم مخور
«کلبه‌ی اتران شود روزی گلستان، غم مخور»
بی حضورش چند روزی دور گردون‌گر گذشت
«دانایگان نباشد حال دوران، غم مخور»
چون امید وصل او هر لحظه هست و ممکن است
در فراقش صبر کن باد و هجران، غم مخور
حال ما، در فرقت پیغمبر و اولاد او
«جمله می‌داند حسدای حال گردان، غم مخور»
فنیض اگر حال فنا بنیاد هستی بر کند
کشتی آل نبی داری، ز طوفان، غم مخور
در جهان کر از حضورش دور باشی «فنیض»
روز موعودش رسد دستت به دامان، غم مخور
فیض کاشانی



حکایت

به خدا چه بگویم؟

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد. گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت و گفت: «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده».

چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ هرگز».

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش».

چوپان گفت: «گوسفندان از آن من نیست».

مرد گفت: «خداوندش را بگویی که گرگ بیرد».

غلام گفت: «به خدای چه بگویم»؟!

رساله‌ی قشیریه